

مجله بوستان ادب دانشگاه شیراز
دوره دوم، شماره اول، بهار ۱۳۸۹، پیاپی ۵۷/۱
(مجله علوم اجتماعی و انسانی سابق)

تکوین تدریجی سنت نگارش تاریخ ادبی ایران

دکتر سیدمهدی زرقانی*
دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

طبقه‌بندی آثاری که در مجموعه‌ی بزرگ نوشتارهای تاریخ ادبیاتی قرار می‌گیرند، کار آسانی نیست. چون از یک طرف میان نخستین تجربه‌ها که فقط برخوردار از «خصلت تاریخ ادبیاتی» هستند تا آثاری که به معنای مصطلح، «تاریخ ادبیات» نامیده می‌شوند، بیشتر از هزار سال فاصله است و از طرف دیگر، تعداد، رویکردها و متدهای به کار رفته در آنها نیز بسیار متعدد و متنوع است. بر خلاف آنچه عموماً تصور می‌شود، ریشه‌ی تاریخ ادبیات‌های امروزی را نه در نوشتارهای «تذکره‌ای» بلکه در نوشتارهای «پیشاتذکره‌ای» سراغ گرفت. بررسی سیر تکوین و تکامل «سنت نگارش تاریخ ادبی» ایران موضوع اصلی این مقاله است؛ این که خاستگاه «سنت» کجا بوده و چه مراحل را طی کرده تا در قرن بیستم میلادی به فرم نهایی خویش رسیده است؟ ما بدین منظور مجموعه‌ی آثاری را که در خانواده‌ی بزرگ تاریخ ادبیات‌ها قرار می‌گیرند، در سه نسل طبقه‌بندی کرده‌ایم: نوشتارهای پیشاتذکره‌ای، نوشتارهای تذکره‌ای و تاریخ ادبیات-ها. سپس سعی کرده‌ایم در هر مرحله نشان دهیم که چه آثاری و چگونه در تکوین و تکامل «سنت» نقش داشته‌اند. نسبت این سه نسل با یکدیگر، چونان نسبت «جد» به «پدر» و به «فرزند» است.

* دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی

واژه‌های کلیدی: ۱. تاریخ ادبی ۲. تذکره ۳. سنت نگارش.

۱. پیشینه‌ی تحقیق و منبع‌شناسی

بهترین و معتبرترین کتابی که در بررسی تذکره‌های فارسی و طبقه‌بندی آن‌ها نوشته شده، *تاریخ تذکره‌های فارسی* (۱۳۵۰) است که به وسیله‌ی احمد گلچین معانی و در دو جلد، به رشته‌ی تحریر درآمد. نویسنده ۵۲۹ تذکره‌ی فارسی را که در حوزه‌ی ایران و شبه قاره‌ی هند تألیف شده، معرفی، نقد کوتاه و طبقه‌بندی می‌کند. بنده در نوشتن مقاله‌ی حاضر، از کتاب مذکور بهره‌ی فراوان بردم. بعد از آن، محمود فتوحی در *نظریه‌ی تاریخ ادبیات* (۱۳۸۲) که بعدها مفصل‌تر چاپ شد (۱۳۸۷)، بحثی مشبع را به بررسی تاریخ ادبیات‌ها و تذکره‌ها اختصاص داده‌است. تا آن‌جا که من دیدم، دو مقاله نیز در ارتباط با موضوع نوشتار حاضر چاپ شده‌است: «نگاهی به تاریخ ادبیات نگاری و منابع آن در قلمرو سخن فارسی» (۱۳۷۷) نوشته‌ی صادق سجادی و دیگری «بررسی سیر تذکره‌ها و تاریخ ادبیات‌های فارسی در ایران از ۱۲۸۵ هـ ش تا ۱۳۳۲ ش» نگاشته‌ی منظر سلطانی (۱۳۸۰). بررسی و مطالعه‌ی پیشینه‌ی عربی تذکره‌ها و یافتن سرچشمه‌های آن در منابع قرون نخستین، برای هیچ‌کدام از آثار فوق موضوعیت نداشته‌است؛ موضوعی که محور گفتار ما در این مقاله خواهد بود.

منابع مورد استفاده‌ی ما در این مقاله، دو دسته است: منابع دست اول که عمدتاً در دوره‌ی کلاسیک و به زبان عربی نوشته شده و منابع دست دوم که عمدتاً به زبان فارسی و در روزگار نزدیک به ما، به رشته‌ی تحریر در آمده‌است. نگاه ما به دسته اولی‌ها، بیرونی و معطوف به متد، ویژگی‌های شاخص و تعیین نقش و جایگاه آن‌ها در «تکوین سنت نگارش تاریخ ادبی» است؛ اما رویکرد ما به منابع دست دوم، کمی متفاوت است: هم درباره‌ی آن‌ها سخن گفته‌ایم و هم از آن‌ها بهره گرفته‌ایم. طبیعی است تواریخ ادبی و تذکره‌ها بیشتر مورد نظر ما خواهد بود؛ اما از آن میان، فقط به آثاری می‌پردازیم که در تکوین سنت نقشی داشته‌اند.

۲. بحث

خانواده‌ی آثاری را که نهایتاً منجر به تولد «تاریخ ادبیات» شده‌اند، می‌توان در سه نسل طبقه‌بندی کرد. نسل اولی‌ها در سده‌های نخستین اسلامی پدید آمدند. هر چند

نوشتن چنین آثاری تا قرن‌ها بعد و به موازات نسل دومی‌ها ادامه داشت، اما از آن‌جا که الگوهای اولیه‌ی نگارش تاریخ ادبی در دل آن‌ها شکل گرفت، صفت «نسل اول» را برای‌شان برگزیدیم. رویکرد زندگی‌نامه‌ای - تاریخی و طبقه‌بندی شاعران به اعتبار شاخص‌های برون‌متنی، ویژگی عمومی این قسم نوشتارهاست. گو این‌که در برخی از آن‌ها رگه‌هایی از نقد شعر هم دیده می‌شود. مجموعه آثاری مثل «گلچین‌های ادبی»، «اخبار»، «انساب»، کتب «رجال»، «معجم‌ها»، «طبقات» و برخی دیگر از مکتوبات متفرقه تا آن‌جا که به شاعران و ادیبان می‌پردازند، از زیرشاخه‌های همین نسل هستند. در این گروه، «طبقات» تکامل‌یافته‌ترین نوع هستند؛ تا آن‌جا که می‌توان آن‌ها را حلقه‌ی انتقال میان نسل اول و دوم به - شمار آورد. به‌طور قراردادی، زیرگروه این نسل را «نوشتارهای پیشاتذکره‌ای» می‌نامیم؛ آثاری که تماماً عربی و درباره‌ی ادبیات عرب هستند. منتها از آن‌جا که نخستین تذکره‌های فارسی به تاسی از همین آثار عربی به رشته‌ی تحریر درآمدند، آن‌ها را باید سرچشمه و سابقه‌ی پیدایش گونه‌های تذکره‌ای در زبان فارسی به شمار آورد.

نسل دوم، آثاری هستند که یک گام به تاریخ‌ادبیات‌های امروزی نزدیک‌تر شده‌اند؛ «نوشتارهای تذکره‌ای». آنچه این قسم را از نمونه‌های پیشین متمایز می‌کند، استفاده از زبان فارسی، طبقه‌بندی شاعران و ادیبان بر اساس معیارهای تازه، نحوه‌ی پیکره‌بندی اثر و سرانجام نوع گفتمان غالب در آن‌هاست. نهایتاً صورت فعلی این نوشتارها به گونه‌ای است که در جایی میان نسل اول و سوم قرار می‌گیرند.

سرانجام، به نسل سوم می‌رسیم؛ کتاب‌هایی که «تاریخ ادبیات» به معنای مصطلح نامیده می‌شوند. وجه شاخص این گروه آن است که کم یا زیاد، به متدهای نوین روی آورده‌اند، صبغه‌ی تحلیلی در سیمای آن‌ها پیداست، غالباً نقد را از لوازم تاریخ ادبی قلمداد می‌کنند، به شعر و نثر توجه توأمان دارند و مسایل برون‌متنی برای‌شان موضوعیت دارد. همه‌ی تاریخ ادبیات‌ها در یک سطح قرار نمی‌گیرند، اما ویژگی‌های متمایزشان از دو گروه پیشین و خصلت‌های مشترک‌شان چندان هست که بتوان آن‌ها را در طبقه مستقلی جای داد. در ادامه، به بررسی هر گروه از آثار فوق و تعیین نقش آن‌ها در تکوین و تکامل «سنت» می‌پردازیم.

۲.۱. نسل اول: نوشتارهای پیشاتذکره‌ای

پیدایش این نوشتارها ریشه در تحقیقات دینی دارد. توضیح مطلب از این‌جا قرار است: پس از این‌که گروه‌های مختلف فکری - عقیدتی در نیمه‌ی اول قرن نخست

اسلامی ظهور کردند، عده‌ای در صدد ثبت سیره‌ی عملی و گفتاری رسول‌الله و دیگر بزرگان دین برآمدند. در این میان، پدیده‌ی «جعل حدیث» رواج یافت. مسلمانان برای جلوگیری از این معضل، ابتدا علم «اسناد» را وضع کردند که موضوع آن بررسی سندیت احادیث و روایات بود. اما مشکل جعل حدیث هم‌چنان به آشکال دیگری ادامه داشت. در تدبیر تازه، آنان به این نتیجه رسیدند که مبانی علمی جدید را پایه‌ریزی کنند تا ثقه‌بودن راویان و نسب آن‌ها معلوم گردد. این شاخه‌ی جدید را «علم رجال» نامیدند. با وجود این، هم‌چنان صورتهایی دیگر از جعل حدیث تداوم داشت تا این‌که نیاز به ایجاد رشته‌ای جدید احساس شد که متضمن چند ویژگی باشد: تاریخ تولد و مرگ راویان و یا حداقل زمان حیات علمی آنان را تعیین کند، سرزمینی را که در آن به تعلیم و تعلم اشتغال داشتند، معلوم نماید و بالاخره، نسبت شاگردی و استادی آنان را در سلسله سند مشخص سازد. این شاخه‌ی جدید «طبقات» نامیده شد. در دل این دانش‌ها، به‌خصوص مورد اخیر، دقیقاً همان ملزومات نگارش تاریخ ادبی قرار داشت. آنچه در عمل اتفاق افتاد این بود که برخی نویسندگان روش کار را از علوم مذکور وام گرفتند، اما موضوع نوشته‌شان را به جای حدیث و راویان، شعر و شاعری قرار دادند و بدین ترتیب بود که نخستین نوشتارهای پیشاتذکره‌ای با خصلت تاریخ ادبیات و به تاسی از تحقیقات دینی پدید آمد.

کافی است سری به *دانشنامه‌ی جهان اسلام* بزنیم تا تنوع و تعدد یک چنین آثاری حتی در سده‌های نخستین اسلامی شگفت‌زده‌مان کند. از «گلچین‌های ادبی» گرفته تا «اخبار» و «معجم‌ها» و «انساب» و «طبقات» و «نوشتارهای پراکنده‌ی» دیگر که هر کدام در حد خود، بخشی از بدنه‌ی «سنت» را تشکیل می‌دادند. (ر.ک: *دانشنامه‌ی جهان اسلام*، ذیل تذکره)

گلچین‌های ادبی اوایل قرن سوم هجری را باید نخستین گام و نقطه‌ی آغاز تکوین سنت به شمار آورد؛ زیرا دو شرط از شروط لازم برای نگارش تاریخ ادبی در آن‌ها هست: نقل اشعار شاعران پیشین و گذشته‌گرایی. این دو ویژگی، زمینه‌ی ذهنی لازم را برای توجه به ادبیات «در ساحت تاریخی» که شرط لازم برای نگارش تاریخ ادبی است، فراهم می‌آورد. گلچین‌های ادبی ابوتمام طائی (ف ۲۲۸هـ) از این نوع‌اند: *الاختیارات من اشعارالقبائل، الفحول، الحماسه، مختارات من شعرالمحدثین* - و بعد از این‌ها، *الحماسه ابوعباده بحتری* (ف ۲۸۴هـ) که دربردارنده‌ی اشعار حدود ۶۰۰ شاعر دوره‌ی جاهلی و اسلامی است.

گام دوم و مرحله‌ی بعدی تکامل سنت در آثاری موسوم به «اخبار» مشاهده می‌شود؛ یعنی آثاری که ماهیتاً مشتمل بر شرح حال اشخاص بود. اخبار شامل شرح حال طبقات مختلف اجتماعی می‌شد و از آن میان، آنچه به شرح احوال شاعران و نویسندگان مربوط بود، اخبار ادبی نامیده می‌شد. از قدیمی‌ترین کتب اخبار ادبی، می‌توان به *اخبار الشعراء* از ابوالحسن مدائنی (ف ۲۲۵هـ)، *اخبار الشعراء* نوشته‌ی ابن ابی خيثمه (ف ۲۷۹هـ)، *اخبار الشعراء* اثر احمد بن زهير نسائی (ف ۲۷۹هـ)، *اخبار الشعراء الکبير*، نگاشته‌ی ابو عبدالله هارون بن علی (ف ۲۸۸هـ) و *اخبار الاماء الشعراء* نوشته‌ی ابوالفرج اصفهانی (ف ۳۵۶هـ) اشاره کرد. در این مجموعه‌ها، شرح حال و زندگی‌نامه‌ی شاعران را به همراه نمونه‌ای از اشعارشان می‌بینیم.

«معجم»ها نیز به‌گونه‌ای دیگر در تکامل سنت نقش داشتند. در زبان عربی، هر کتابی که درباره‌ی لغات یا اعلام باشد و به صورت الفبایی تنظیم شده باشد، *مُعْجَم* نامیده می‌شود. بر اساس مدارک موجود، نخستین نمونه از این نوع، *معجم الشعراء* اثر محمد بن عمران مرزبانی (ف ۳۸۴هـ) است. این اثر شامل فهرستی از شاعران عصر جاهلی تا عصر مؤلف است که به ترتیب حرف اول نام آن‌ها تنظیم شده است. این نویسنده‌ی خراسانی که در بغداد به دنیا آمده، هر چند نفر از شاعران را که نام مشترک داشته‌اند، در ذیل یک باب بررسی کرده است. مثلاً باب نخست کتاب این‌گونه آغاز می‌شود: *ذَكَرُ مَنْ اسْمُهُ عَمْرُو* (گفتار درباره‌ی آن‌ها که نام‌شان عمرو است). او درباره‌ی نسب هر کدام از شاعران به صورت مختصر سخن می‌گوید و نهایتاً نمونه‌ای از اشعارشان را نیز نقل می‌کند. (المرزبانی، ۱۹۹۱: ۹) نگارش «معجم»ها تا قرن‌ها بعد ادامه یافت.

گروه چهارم از نوشتارهای پیشاتذکره‌ای که در تکوین و تکامل سنت نقش داشتند، کتب «انساب» شاعران و ادیبان بود. انساب به قسمتی از علم تاریخ گفته می‌شود که از طریق آن، اشخاص به واسطه‌ی پدر یا جد یا قبیله‌ی خود معرفی می‌شوند. *انساب الشعراء* نوشته‌ی ابن حبیب بغدادی (ف ۲۴۵هـ) از نخستین نمونه‌ها و *الانساب عبدالکریم سمعانی* (ف ۵۶۲هـ) از نمونه‌های تکامل یافته‌تر است.

این حرکت تکاملی نسل اولی‌ها وقتی به فرم نهایی خود رسید که «طبقات» پدید آمد. متد به کار رفته در این قسم بسیار پیشرفته‌تر از انواع پیشین است و بی هیچ تردیدی، آن‌ها را باید نقطه‌ی عطفی در تکامل سنت نگارش تاریخ ادبی به شمار آورد. «طبقات» به آثاری اطلاق می‌شد حاوی نام و شرح حال اشخاصی که از یک یا چند

جنبه با یکدیگر اشتراک داشتند. قابلیت‌های نسبتاً پیشرفته‌ی این نوع سبب شده بود تا نه تنها ادیبان، بلکه گروه‌های مختلف اجتماعی در قالب آن معرفی شوند: طبقات الفقها، طبقات الشعرا، طبقات الامم، طبقات الشافعیه، طبقات الحنفا، طبقات الحنابله، طبقات الاطبا، طبقات النحاه و طبقات المحدثین از آن جمله هستند.

از وجوه تمایز و برتری «طبقات» بر انواع پیشین، یکی تعدد ملاک‌ها در طبقه‌بندی چهره‌هاست که وجه علمی اثر را پر رنگ می‌کند. مثلاً محمد بن سعد کاتب و اقدی (ف ۲۳۰هـ) از نخستین طبقات‌نگاران بود که در کتاب خود، پنج ملاک را مد نظر قرار داد: جنسیت، زمان، شرف، جغرافیا و عُلو الروایه و الاسناد. خلیفه بن خیاط (ف ۲۴۰هـ) نیز در نگارش طبقات، از ملاک‌هایی چون زمان، نسب و جغرافیا استفاده کرد. پس از او، ابن حیان بستی (م ۳۵۴هـ) در کتاب مشاهیر علماء الامصار از دو ملاک زمان و جغرافیا بهره گرفت. عین همین معیار و ملاک‌ها در طبقات ادبی نیز اعمال می‌شد. آنچه مستقیماً به بحث ما مربوط می‌گردد، طبقات ادبی است. نخستین طبقات الشعرا موجود متعلق است به محمد بن سلّام جَمَحی (ف ۲۳۲هـ) است. آن‌طور که تحقیقات متأخر نشان می‌دهند، ظاهراً ابوخلیفه مجموعه‌ی حاضر را از تلفیق دو کتاب طبقات الشعرا الجاهلین و طبقات الشعرا الاسلامیین با آثار و روایات دیگری که از ابن سلّام در اختیار داشته، تحت عنوان واحدی چاپ کرده است؛ وگرنه ابن سلّام کتابی با این عنوان نداشته است. طبقه‌بندی این کتاب، مبتنی بر اصول نسبتاً استواری است. کتاب شامل یک مقدمه و دو بخش است: بخش اول، به شاعران دوره‌ی جاهلی و مخضرمین (شاعرانی که پیش و پس از اسلام را درک کرده‌اند) و بخش دوم، به شاعران دوره‌ی اسلامی اختصاص یافته است. اساس کار ابن سلّام بر این بوده که پس از ذکر نَسَب هر شاعر و اقوال دیگران درباره‌ی او، نمونه‌ای از اشعار آن‌ها را بیاورد و گاهی هم نظر انتقادی خودش را ضمیمه‌ی بحث کند. شاعران هر دوره در ده طبقه جای گرفته‌اند و در هر طبقه، نام چهار شاعر آمده است. به‌علاوه که درباره‌ی شاعران هر شهر و وجه تشخیص آن‌ها در هر طبقه نیز نکاتی ذکر شده است. مواردی هم که تشابه نام شاعران پیش می‌آید، نویسنده با دقت، اجداد آن‌ها را تا چند نسل ذکر می‌کند؛ مبادا امر بر خواننده مشتبه شود.

نمونه‌ی دیگر، طبقات الشعرا، اثر ابن معتمر (ف ۲۹۶هـ) است. این کتاب که مختص عصر عباسی است، نشان می‌دهد در کنار سنت مرسوم طبقات‌نگاری آن سال‌ها که غالباً زمانی طولانی از جاهلیت تا عصر بنی‌عباس را در بر می‌گرفت، پاره‌ای نویسندگان

رویگرد دوره‌ای را اتخاذ می‌کرده‌اند. خصلت برجسته‌ی دیگر کتاب آن است که وجه نقّادی آن بر جنبه‌ی روایت‌گری و نقل اشعار غلبه دارد. این هم که نویسنده موضعی گزینشی در پیش گرفته و به علل سیاسی، مشهور نبودن شاعران یا کم‌بودن اخبار درباره‌ی آن‌ها، از مطرح کردن برخی چهره‌ها طفره می‌رود. (ابن معتنز، ۲۰۰۲: ۵-۶)

نخستین نشانه‌های ظهور دیدگاه انتقادی در نوشتارهای پیشاتذکره‌ای است. قابلیت‌های فراوان این‌گونه موجب شد که نوشتن آن‌ها تا میانه‌ی قرن نهم ادامه داشته باشد. ظهور طبقات با مشخصاتی که ذکر شد، نقطه‌ی پایان نسل اولی‌ها و نقطه‌ی آغاز نسل دوم است.

علاوه بر پنج گروه فوق، کتاب‌های دیگری هم در شرح احوال شاعران و ادیبان نگاشته می‌شد که آن‌ها را نیز باید بخشی از بدنه‌ی سنت به حساب آورد. مهم‌ترین آن‌ها به ترتیب زمانی، عبارت‌اند از: *تفضیل الشعرا بعضهم علی بعض و من نُسب الی أمّه من الشعراء*، هر دو از ابوالحسن مدائنی (ف ۲۲۵هـ)، *الشعر و الشعراء* اثر ابن شَبَّه بصری (ف ۲۶۲هـ)، *الشعر و الشعراء* نوشته‌ی ابن قتیبه دینوری (ف ۲۷۶هـ)، *البارع فی شعراء المولدین* نگاشته‌ی هارون بن علی بن مُنَجَّم (ف ۲۸۸هـ)، *الورقه* تألیف ابن جراح (ف ۲۹۶هـ) شامل شرح حال مختصر ۶۳ شاعر و نمونه‌ای از اشعار آنان، *تفسیر اسماء الشعراء* از محمد بن عبدالواحد غلام ثعلب (ف ۳۴۵هـ)، *اللاغانی* اثر ابوالفرج اصفهانی (ف ۳۵۶هـ)، *المؤتلف و المختلف* نوشته‌ی آمدی (ف ۳۷۰هـ) که در آن نام صحیح شاعران برای رفع اشتباه و بر اساس حروف الفبا آمده و ضمن آن، شرح حال و القاب ۶۹۵ شاعر و نمونه‌هایی از اشعارشان آورده شده‌است، *نزهة الألباء فی طبقات الأدباء* نگاشته‌ی عبدالرحمان انباری مشتمل بر شرح حال نحویان و لغویان و برخی شاعران به ترتیب سال وفات‌شان، *الحله السیراء* تألیف ابن آبار (ف ۶۵۸هـ) در شرح حال شاعران و شخصیت‌های تاریخی اندلس تا عصر مؤلف و چندین اثر دیگر.

از نکات جالب توجه در نسل اولی‌ها، نگارش نخستین کتاب‌ها درباره‌ی زنان شاعر است که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: *بلاغات النساء... و اشعارهن فی الجاهلیه و صدر الاسلام* از ابن ابی طاهر طیفور خراسانی (ف ۲۸۰هـ)، مشتمل بر اشعار و سخنان زنان بزرگ تا عصر مؤلف. این کتاب فصلی دارد درباره‌ی زنانی که به شاعری شهرت داشتند. *اشعار الجواری* که اثری ناتمام است، نوشته‌ی المفجع متوفی به سال ۳۲۷هـ *تاریخ النساء* نوشته‌ی محمد بن احمد ابیوردی (ف ۵۵۷هـ)، *معجم النساء* تألیف ابن عساکر (ف ۵۷۱هـ) و *اشعار النساء* نگاشته‌ی محمد بن عمران

مرزبانی (ف ۳۸۴هـ).

اجازه بدهید برای آشنایی با نمونه‌ای از این کتاب‌ها، اثر محمد بن عمر مرزبانی را مرور کنیم. این نویسنده ابتدا شاعران را بر اساس قبیله‌هایشان طبقه‌بندی می‌کند و به نسبت اهمیت شاعران، درباره‌ی شرح حال‌شان به صورت کوتاه یا مفصل سخن می‌گوید. سپس روایات مختلفی را که درباره‌ی آن‌ها وارد شده، با ذکر سند نقل می‌کند. مضافاً این‌که خود را مقید کرده تا اختلاف روایت‌ها را نیز بیاورد. در ضمن گفتارها نیز برخی کلمات مبهم و نامأنوس را که شاعران به کار برده‌اند، معنا کرده‌است. (المرزبانی، ۱۹۷۶: ۶) جدول زیر چشم‌انداز کلی نوشتارهای نسل اولی را پیش چشم می‌آورد:

جدول ۱: نوشتارهای پیشاتذکره‌ای

نام	مؤلف	سال فوت	توضیحات
۱ اخبار الشعرا	ابوالحسن مدائنی	ف ۲۲۵هـ	نسل اول/ شاخه‌ی «اخبار»
۲ اخبار الشعرا	ابن ابی خيثمه	ف ۲۷۹هـ	نسل اول/ شاخه‌ی «اخبار»
۳ اخبار الشعرا	احمد بن زهير نسائی	ف ۲۷۹هـ	نسل اول/ شاخه‌ی «اخبار»
۴ اخبار الشعرا الكبير	ابوعبدالله هارون بن علی	ف ۲۸۸هـ	نسل اول/ شاخه‌ی «اخبار»
۵ اخبار من عشق من الشعرا	عبدالعزیز جلودی	ف ۳۳۲هـ	نسل اول/ شاخه‌ی «اخبار»
۶ اخبار الشعرا الاندلس	ابوسعید کنانی و دیگران	ف ۳۲۰هـ	نسل اول/ شاخه‌ی «اخبار»
۷ اخبار الشعرا المحدثین ...	محمد بن یحیی صولی	ف ۳۳۵هـ	نسل اول/ شاخه‌ی «اخبار»
۸ اخبار الاماء الشعرا	ابوالفرج اصفهانی	ف ۳۵۶هـ	نسل اول/ شاخه‌ی «اخبار»
۹ اخبار الشعرا	محمد عمیدالدوله	ف ۴۳۹هـ	نسل اول/ شاخه‌ی «اخبار»
۱۰ اخبار الشعرا السبعه	یحیی حلبی	ف ۶۳۰هـ	دنباله‌ی نسل اول/ شاخه‌ی «اخبار»
۱۱ معجم الشعرا	محمد مرزبانی	ف ۳۸۴هـ	نسل اول/ شاخه‌ی «معجم»
۱۲ معجم النسوان	ابن عساکر	ف ۵۷۱هـ	نسل اول/ شاخه‌ی «معجم» / شعر زنان
۱۳ انساب الشعرا	ابن حبیب بغدادی	ف ۲۴۵هـ	نسل اول/ شاخه‌ی «انساب»
۱۴ الانساب	عبدالکریم سمعانی	ف ۵۶۲هـ	دنباله نسل اول/ شاخه‌ی «انساب»
۱۵ طبقات الشعرا	ابن سلام جمحی	ف ۲۳۲هـ	نسل اول/ شاخه‌ی «طبقات»
۱۶ طبقات الشعرا	دعبل خزاعی	ف ۲۴۶هـ	نسل اول/ شاخه‌ی «طبقات»
۱۷ طبقات الشعرا	ابوهفان مهزومی	ف ۲۵۷هـ	نسل اول/ شاخه‌ی «طبقات»
۱۸ طبقات الشعرا	ابن معنر	ف ۲۹۶هـ	نسل اول/ شاخه‌ی «طبقات»

نام	مؤلف	سال فوت	توضیحات
۱۹ طبقات الشعرا بالاندلس	عثمان اندلسی	ف حدود ۳۱۰ هـ	نسل اول/ شاخه‌ی «طبقات»
۲۰ طبقات العرب و الشعرا	عبدالعزیز جلودی	ف ۳۳۲ هـ	نسل اول/ شاخه‌ی «طبقات»
۲۱ طبقات الشعرا	اسماعیل یزیدی	ف حدود ۳۵۷ هـ	نسل اول/ شاخه‌ی «طبقات»
۲۲ طبقات الشعرا الثقات	ابن نجیم	————	نسل اول/ شاخه‌ی «طبقات»
۲۳ تفضیل الشعرا بعضهم علی بعض	ابوالحسن مدائنی	ف ۲۲۵ هـ	نسل اول/ شاخه‌ی «نوشتارهای متفرقه»
۲۴ مَن نسب الی امه من الشعرا	ابوالحسن مدائنی	ف ۲۲۵ هـ	نسل اول/ شاخه‌ی «نوشتارهای متفرقه»
۲۵ الاختیارات من اشعار القبایل	ابوتمام طائی	ف ۲۲۸ هـ	نسل اول/ شاخه‌ی «گلچین ادبی»
۲۶ الفحول	ابوتمام طائی	ف ۲۲۸ هـ	نسل اول/ شاخه‌ی «گلچین ادبی»
۲۷ الحماسه	ابوتمام طائی	ف ۲۲۸ هـ	نسل اول/ شاخه‌ی «گلچین ادبی»
۲۸ المختارات من شعر المحدثین	ابوتمام طائی	ف ۲۲۸ هـ	نسل اول/ شاخه‌ی «گلچین ادبی»
۲۹ الحماسه	ابوعبادہ بحتری	ف ۲۸۴ هـ	نسل اول/ شاخه‌ی «گلچین ادبی»
۳۰ الشعرا و الشعرا	ابن شبه بصری	ف ۲۶۲ هـ	نسل اول/ شاخه‌ی «نوشتارهای متفرقه»
۳۱ الشعرا الشعرا	ابن قتیبه دینوری	ف ۲۷۶ هـ	نسل اول/ شاخه‌ی «نوشتارهای متفرقه»
۳۲ البارع فی شعرا المولدین	هارون بن علی بن منجم	ف ۲۸۸ هـ	نسل اول/ شاخه‌ی «نوشتارهای متفرقه»
۳۳ الورقه	ابن جراح	ف ۲۹۶ هـ	نسل اول/ شاخه‌ی «نوشتارهای متفرقه»
۳۴ اشعار الجوارى	المفجع	ف ۳۲۷ هـ	نسل اول/ شاخه‌ی «نوشتارهای متفرقه» / شعر زنان
۳۵ تفسیر اسما الشعرا	محمد غلام ثعلب	ف ۳۴۵ هـ	نسل اول/ شاخه‌ی «نوشتارهای متفرقه»
۳۶ الاغانی	ابوالفرج اصفهانی	ف ۳۵۶ هـ	نسل اول/ شاخه‌ی «نوشتارهای متفرقه»
۳۷ الباهر فی اخبار شعرا ...	یحیی بن علی بن منجم	ف ۳۰۰ هـ	نسل اول/ شاخه‌ی «نوشتارهای متفرقه»
۳۸ بلاغات النساء ...	ابن ابی طاهر خراسانی	ف ۲۸۰ هـ	نسل اول/ شاخه‌ی «نوشتارهای متفرقه» / شعر زنان
۳۹ اشعار النساء	محمد مرزبانی	ف ۳۸۴ هـ	نسل اول/ شاخه‌ی «نوشتارهای متفرقه» / شعر زنان
۴۰ تاریخ النساء	محمد ابیوردی	ف ۵۵۷ هـ	نسل اول/ شاخه‌ی «نوشتارهای متفرقه» / شعر زنان

این فهرست بلندبالا^۱ نشان می‌دهد که ایده‌ی نگارش تاریخ ادبی، از نخستین سده‌های اسلامی میان مسلمانان وجود داشته‌است. به عنوان نتیجه باید بگوییم هر چند شرایط لازم و کافی برای نوشتن تاریخ ادبیات به معنای امروزی، در هیچ‌کدام از آثار نسل اولی، به صورت کامل و یک‌جا جمع نشده‌است، اما حاصل جمع آن‌ها بخشی از همان مبانی استواری است که در نگارش تاریخ ادبی باید مد نظر باشد. اینک و در بررسی تاریخی خود، در انتظار ظهور نسل جدیدی از آثار هستیم که بر اساس متدهای پیشرفته‌تری نوشته شده باشند: «نوشتارهای تذکره‌ای».

۲.۲. نسل دوم: نوشتارهای تذکره‌ای

«تذکره» به آثاری اطلاق می‌شود که در آن، شرح احوال و زندگی‌نامه‌ی مشاهیر، اعم از امیران، وزیران، علما، فقها، اندیشمندان، نویسندگان، شاعران و معرفی آثار آنان بیاید. این کتاب‌ها معمولاً با عناوینی نظیر مجمع، ریاض، حدیقه، روضه و امثال آن نیز نامیده می‌شوند.

۱. ۲.۲. پیشینه‌ی عربی: زبان عربی، زبان بین‌المللی جهان اسلام بود. نخستین نمونه از آثار تذکره‌ای به زبان فارسی متعلق به اوایل قرن ششم است. این زمانی بود که زبان فارسی موقعیت خودش را به عنوان زبان دوم امپراتوری اسلامی مسجل کرده بود. در همین حدود زمانی و مدت‌ها قبل از آن، تذکره‌های عربی غالباً به وسیله‌ی ایرانیان به نگارش در می‌آمد.

ادعای ما این است که نخستین تذکره‌های فارسی از روی الگوی عربی نوشته شد. بر این اساس، باید پیشینه‌ی تذکره‌نویسی فارسی را نیز در منابع عربی جست‌وجو کنیم. نقطه‌ی آغاز این دسته از نوشتارها کتاب مهم و جریان‌ساز *یتیمه‌الدهر فی محاسن اهل العصر*، نوشته‌ی ابومنصور ثعالبی نیشابوری است؛ اثر ماندگاری که تا شعاع چند قرن پس از خود، در کانون توجه علاقه‌مندان به سنت تذکره‌نویسی قرار داشت. روشن‌ترین دلیل برای این ادعا، سخن مؤلف *کشف‌الظنون* است، آن‌جا که می‌گوید چندین اثر مستقیماً تحت تأثیر *یتیمه‌الدهر* به نگارش درآمده‌اند: *دُمیه‌القصر* و *عُصره اهل‌العصر* از باخرزی، *خریده‌القصر* و *جریده اهل‌العصر فی ذکر فضلاء اهل خراسان و هرات*، نوشته‌ی عمادالدین اصفهانی، *زینة‌الدهر فی لطائف شعراء‌العصر* نگاشته‌ی ابی‌المعالی وراق خطیری، و *شاح‌الدُمیه‌القصر و لقاح روضه‌العصر*، تألیف ابوالحسن بیهقی و مختصر *للیتیمه* از تقی‌الدین مصری (ف ۱۰۰۵هـ). (به نقل از الثعالبی، ۱۳۵۳: ۱۳)

گزارش مؤلف کشف‌الظنون تنها گوشه‌ای از واقعیت را نشان می‌دهد. من فکر می‌کنم تذکره‌های بعدی، حتی آن‌ها که به زبان فارسی نوشته شدند نیز مستقیم یا غیر مستقیم، تحت تأثیر تشعشعات یتیمه‌الدهر قرار داشتند. از نمونه‌های عربی، موارد زیر قابل ذکر است: الحدیقه فی شعراء الاندلس یا الحدیقه فی الادب از ابوالصلت اندلسی (ف ۵۲۹هـ)، جنان‌الجنان و ریاض‌الذهان فی شعراء مصر نوشته‌ی زبیری (ف ۵۶۳هـ)، الذخیره فی محاسن اهل‌الجزیره نگاشته‌ی ابن بسام شتتربنی (ف ۵۴۲هـ) که بیشتر به شرح حال شاعران و ادیبان اندلس در سده‌ی پنجم پرداخته‌است، العُصون‌البانعه فی محاسن شعراء‌المائه‌السابعه تألیف عنسی مدلجی (ف ۶۸۵هـ)، اصداف‌الوصاف اثر عبدالله وصاف (ف ۷۱۹هـ) و الکتبیه‌الکامنه فی من کتبه‌ناه بالاندلس من شعراء‌المائه‌الثامنه نوشته‌ی ابن خطیب (ف ۷۷۶هـ). اگر قرار باشد تصویری کلی از تذکره‌های عربی^۲ ارائه دهیم، نتیجه‌ی کار به این صورت خواهد بود:

جدول ۲: تذکره‌های عربی

نام اثر	مؤلف	تاریخ فوت	رویکرد غالب اثر	توضیحات
۱ یتیمیه‌الدهر فی محاسن اهل‌العصر	ابومنصور ثعالبی	ف ۴۲۹هـ	زندگی‌نامه‌ای - انتقادی	نسل دوم
۲ تتمه‌الیتیمه	ابومنصور ثعالبی	ف ۴۲۹هـ	زندگی‌نامه‌ای - انتقادی	نسل دوم
۳ دمیه‌القصر و عصره اهل‌العصر	ابوالحسن باخرزی	ف ۴۶۷هـ	زندگی‌نامه‌ای - انتقادی	نسل دوم
۴ الحدیقه فی شعرا الاندلس	ابوصلت اندلسی	ف ۵۲۹هـ	زندگی‌نامه‌ای - انتقادی	نسل دوم
۵ الذخیره فی محاسن اهل‌الجزیره	ابن بسام شتتربنی	ف ۵۴۲هـ	زندگی‌نامه‌ای - انتقادی	نسل دوم
۶ جنان‌الجنان و ریاض‌الذهان...	زبیری	ف ۵۶۳هـ	زندگی‌نامه‌ای - انتقادی	نسل دوم
۷ وشاح‌الدمیه...	ابوالحسن بیهقی	ف ۵۶۵هـ	زندگی‌نامه‌ای - انتقادی	نسل دوم
۸ زینه‌الدهر...	ابوالمعالی وراق	ف ۵۶۸هـ	زندگی‌نامه‌ای - انتقادی	نسل دوم
۹ خریده‌القصر و جریده اهل‌العصر	عمادالدین اصفهانی	ف ۵۹۷هـ	زندگی‌نامه‌ای - انتقادی	نسل دوم
۱۰ العُصون‌البانعه ...	عنسی مدلجی	ف ۶۸۵هـ	زندگی‌نامه‌ای - انتقادی	نسل دوم

نام اثر	مؤلف	تاریخ فوت	رویکرد غالب اثر	توضیحات
۱۱	اصداف الاوصاف	عبدالله وصاف	ف ۷۱۹ هـ	زندگی نامه‌ای - انتقادی نسل دوم
۱۲	الکتیبه الکامنه...	ابن خطیب	ف ۷۷۶ هـ	زندگی نامه‌ای - انتقادی نسل دوم
۱۳	مختصر للیتیمه	تقی الدین مصری	ف ۱۰۰۵ هـ	زندگی نامه‌ای - انتقادی نسل دوم
۱۴	خبایا الزوایا...	شهاب‌الدین خفاجی	ف ۱۰۶۹ هـ	زندگی نامه‌ای - انتقادی نسل دوم
۱۵	ریحانه الالباب...	شهاب‌الدین خفاجی	ف ۱۰۶۹ هـ	زندگی نامه‌ای - انتقادی نسل دوم
۱۶	نفحه الريحانه ...	محمد امین محبی	ف ۱۱۱۱ هـ	زندگی نامه‌ای - انتقادی نسل دوم
۱۷	سلافه العصر ...	علی شیرازی	ف ۱۱۲۰ هـ	زندگی نامه‌ای - انتقادی نسل دوم

اخبار این آثار تا حدود زیادی شبیه به یکدیگر است. در واقع، این‌ها دنباله‌ی طبیعی نوشتارهای پیش‌تذکره‌ای هستند، با امکانات و قابلیت‌های بیشتر. اجازه بدهید برای نمونه، دو اثر را که با تذکره‌های فارسی قرابت بیشتری دارند، مرور کنیم. نخستین اثر *یتیمه‌الدهر* ثعالبی است. این کتاب به چهار بخش کلی تقسیم می‌شود و هر بخش مشتمل بر چندین فصل است. نویسنده در بخش‌بندی کتاب دو معیار را مبنا قرار داده است: محل زندگی ادیبان و نسبتشان با قدرت سیاسی. فصل‌ها و بخش‌های کتاب به این شرح است:

قسم اول: درباره‌ی آل حمدان و شاعران وابسته به آن‌ها و کسان دیگری که اهل شام یا مناطق مجاور آن مثل مصر، موصل و مغرب هستند.

قسم دوم: درباره‌ی شاعرانی از عراق و آغاز دولت دیالمه و اصناف مختلف آن‌ها و نوادر اخبارشان و برخی از مترسلان.

قسم سوم: درباره‌ی شاعران جبال و فارس و جرجان و طبرستان و اصفهان، اعم از وزیران دیلمی، نویسندگان، قاضیان، شاعران و دیگر فاضلانی که به نحوی با آن‌ها در ارتباط بوده‌اند.

قسم چهارم: درباره‌ی شاعران خراسان و ماوراءالنهر از آغاز حکومت سامانی و غزنوی و آنان که از سایر بلاد به نزد ایشان آمده‌اند، عملاً آن‌ها و اخبار جالب توجه

درباره‌ی ایشان؛ به‌خصوص آن‌ها که اهل نیشابور بوده‌اند یا بدین شهر مهاجرت کرده‌اند و یا در آن اقامت موقتی داشته‌اند. (الثعالبی، ۱۳۵۳)

همین ساختار با تفاوت‌های اندک، در اکثر تذکره‌های عربی مشاهده می‌شود. نمونه‌ی دیگر، *خریده/العصر اصفهانی* است که حدوداً صد و پنجاه سال بعد از *تیمه/الدهر*، یعنی هم‌زمان با ظهور نخستین تذکره‌های فارسی موجود، نوشته شد. بخش اول این کتاب درباره‌ی شاعران هرات و حوالی آن است. بخش‌های بعدی به شاعران بلخ، غزنه، خوارزم و شهرهای مجاور خراسان اختصاص یافته‌است. یک باب هم درباره‌ی شخصیت‌هایی است که نویسنده در مورد محل زندگی یا تولدشان تردید دارد (جماعه من اهل العصر اشک فی بلادهم).

مبنای جغرافیایی در بخش‌بندی کتاب، معرفی مختصر شخصیت‌ها، نقل روایت‌های مختلف درباره‌ی شاعران، ذکر نمونه‌ی شعر و نقد کلی‌گویانه و شبیه به هم اشعار، از وجوه مشترک این کتاب با *تیمه/الدهر* است. وجه تشخیص و تمایز *خریده* نیز در آن است که نگاه نویسنده بیشتر معطوف به شخصیت‌هایی است که به شاعری شهرت ندارند، اما شعرهایی از آن‌ها بر جای مانده یا معطوف به شاعران فارسی‌گویی است که کسی آن‌ها را به عنوان سراینده‌ی شعر عربی نمی‌شناسد، اما در مجموعه‌ی تجارب شاعرانه‌شان، شعر عربی هم یافت می‌شود. از گروه نخست، می‌توانم به ابوالقاسم قشیری، ابوالحسن بیهقی، محمد غزالی و خواجه عبدالله انصاری اشاره کنم و از گروه دوم، به چهره‌هایی نظیر عبدالواسع جبلی، خیام نیشابوری، مسعود سعد سلمان، عطاء بن یعقوب و رشید وطواط. (الاصفهانی، ۱۹۹۹)

۲.۲.۲. تذکره‌های فارسی: تا پیش از قرن هفتم، سرگذشت شاعران فارسی‌گوی و نمونه‌ی شعر آنان به طور پراکنده در برخی آثار تاریخی، جغرافیایی و ادبی ذکر می‌شده است. هر چند منابع کهن از وجود *مناقب الشعراء* ابوطاهر خاتونی (ف اوایل ۶ هـ ق) و *تذکره‌ی مصور* راوندی (ف ۵۸۰ هـ) خبر می‌دهند و احتمال وجود آثار دیگری که در کشاکش دهر از بین رفته باشد نیز منتفی نیست، اما تا پیش از *لباب‌الالباب* - تألیف حدود (۶۱۸ هـ) هیچ تذکره‌ی ادبی به زبان فارسی برجای نمانده‌است. گزارش‌های تاریخی از دو تذکره‌ی مذکور نیز بسیار مات است. نجم‌الدین ابوبکر محمد راوندی، از نویسندگان اواخر قرن ششم، *مناقب الشعراء* را مرقع‌گونه‌ای دانسته‌است. اشاره دولت‌شاه سمرقندی در *تذکره‌الشعراء* (قرن ۹ هـ ق) به این اثر معلوم می‌کند که دست کم تا این قرن، اثر معروفی بوده‌است.

لباب‌الالباب عوفی نخستین تذکره‌ی موجود به زبان فارسی است. آنچه من بر آن تأکید دارم این است که اثر عوفی کاملاً به تاسی از روش *یتیمه‌الدهر* تدوین شده است. در واقع، *یتیمه‌الدهر* و *لباب‌الالباب* دو اثر بنیادینی هستند که مجموعه تجارب نوشتارهای پیشاتذکره‌ای عربی را به سنت تذکره‌نویسی فارسی منتقل کردند. برای مستدل شدن بحث، اجازه بدهید مقایسه‌ای کنیم میان ساختار دو اثر. شیوه و معیارهای بخش‌بندی *یتیمه‌الدهر* را پیش از این گفتیم. ترتیب بخش‌ها و فصل‌های *لباب‌الالباب* بدین شرح است:

باب اول: در فضیلت شعر و شاعری

باب دوم: در معنی شعر از طریق لغت

باب سوم: در معنی آن که اول شعر گفت

باب چهارم: در معنی آن که اول شعر به پارسی گفت

باب پنجم: در لطایف اشعار ملوک کبار و سلاطین نامدار

باب ششم: در لطایف اشعار وزرای عالی رتبت و صدور سامی منزلت

باب هفتم: در ذکر صدور و علما و ائمه و فضلاء

باب هشتم: در ذکر لطایف اشعار شعرائی که در عهد آل لیث و آل طاهر و آل

سامان بوده‌اند

باب نهم: در ذکر شعرای آل ناصر

باب دهم: در ذکر لطایف شعرای آل سلجوق

باب یازدهم: در ذکر لطایف شعرائی که در این قرن بوده‌اند، بعد از عهد دولت

معزی و سنجری

باب دوازدهم: در ذکر لطایف اشعار صدور و افاضل که بدین حضرت

مخصوص‌اند. (عوفی، ۱۳۳۵)

چنان‌که ملاحظه می‌شود، غیر از پاره‌ای مباحث نظری درباره‌ی شعر و شاعری که در *لباب‌الالباب* آمده، مباحث کار در بخش‌بندی کتاب و طرز برخورد نویسنده با چهره‌ها و آثارشان بر همان منوالی است که در *یتیمه‌الدهر* دیدیم.

تذکره‌نویسی فارسی در دو دوره‌ی صفوی و قاجاری (قرن ۱۰ و ۱۳هـ) رونقی به سزا گرفت و مبانی تاریخ ادبیات نویسی در دوره‌ی مدرن را فراهم کرد. در دوره‌ی قاجار، حتی شاهزادگان قاجار به نوشتن تذکره‌ها روی آوردند. از جمله، سیف‌الدوله سلطان محمد، پسر فتح‌علی شاه که بزم *خاقان* را در سال (۱۲۴۵هـ) نوشت و یا

علیرضا میرزای قاجار که کتاب *بستان‌البدایع* را در اواسط قرن سیزدهم و *بستان‌العشاق* را در (۱۲۴۶هـ) تألیف کرد. برخی هم به سرودن تذکرة‌های منظوم روی آوردند، مثل میرزا محمدباقر رشحه‌ی اصفهانی که *تذکرة‌ی منظوم رشحه* را به سال (۱۲۵۰هـ) سرود. پاره‌ای نیز دست به کار نوشتن تذکرة‌های مصور بردند؛ مانند میرزا ابراهیم مدایح‌نگار در *انجمن ناصری* و *تذکرة‌ی قدسیه* که هر دو را در اوایل قرن چهاردهم تحریر کرد. گروهی دیگر به تلخیص تذکرة‌های مفصل روی آوردند، مانند محمدحسین شعاع شیرازی که ابتدا *تذکرة‌ی شعاعیه* را بین سال‌های (۱۳۲۰-۱۳۲۱ق) نوشت و سپس آن را با عنوان *شعاعه شعاعیه* در سال‌های (۱۳۳۶-۱۳۳۷ق هـ) تلخیص کرد. جمعی دیگر هم سرگرم نوشتن تذکرة‌های طنزآمیز و تخیلی شدند، مانند تقی دانش (ف ۱۳۲۶هـ) در *تذکرة‌ی آتش کشکیان*.

این سنت تذکرة‌نویسی تا روزگار معاصر هم رسید. برخی از مشهورترین تذکرة‌های معاصر عبارت‌اند از: *سخن و سخنوران* فروزانفر، *تذکرة‌ی شعرای معاصر* از انجمن ادبی فرهنگستان ایران (چاپ ۱۳۲۸ش)، *بهشت سخن*، تألیف مهدی حمیدی (چاپ ۱۳۳۴ش) و *تذکرة‌ی طلعت*، نوشته‌ی طلعت عنقا. (چاپ ۱۳۳۹ش) برخی از آثار تذکرة‌ای نیز در دهه‌های اخیر نوشته شده است، مثل *سخنوران آذربایجان* از عزیز دولت‌آبادی، *تذکرة‌ی شعرای سمنان* از نصرت‌الله نوحیان، *تذکرة‌ی شعرای دامغان* اثر محمد علی طاهر و *کاشانه‌ی دانش نوشته‌ی حسین پرتو بیضایی*.

زبان فارسی در قرن‌های نهم هجری به بعد، در شبه قاره‌ی هند رواج فراوانی یافت. تا آن‌جا که به زبان ادبی درباها تبدیل شد. تعداد بسیار زیادی از شاعران فارسی زبان به هند مهاجرت کردند و تعداد زیادی از شاعران هندی هم علاقه‌مند شدند به زبان فارسی شعر بگویند. تعداد این شاعران ایرانی و هندی چندان زیاد بود که سنت تذکرة‌نویسی فارسی به آن منطقه نیز کشانده شد. برخی از تذکرة‌های فارسی که در هند نوشته شد، بدین شرح است: *روضه‌السلطین* تألیف فخری هروی که در حدود (۹۶۰هـ) درباره‌ی هشتاد تن از سلاطین شاعر تألیف شده است. *تذکرة‌ی میخانه* تألیف عبدالنبی قزوینی در (۱۰۲۸هـ) درباره‌ی سرایندگان ساقی‌نامه‌ها و سرانجام هفت *آسمان* تألیف احمدعلی که به سال (۱۲۸۵هـ) و درباره‌ی مثنوی‌سرایان تألیف شد.

در افغانستان که وابستگی و پیوستگی فرهنگی زیادی با ایران دارد نیز طی سده‌های سیزدهم و چهاردهم هجری، نوشتن تذکرة‌های فارسی درباره‌ی شاعران فارسی زبان رواج داشت که از آن میان می‌توانم به موارد ذیل اشاره کنم: *تحفه‌الاحباب*

فی تذکره‌الاصحاب تألیف واضح بخاری در (۱۲۸۸هـ)، افضل التذکار فی ذکرالشعراء و الاشعار تألیف افضل مخدوم پیرمستی بخاری در (۱۳۲۲هـ)، بهار بدخشان تألیف عبدالکریم حسینی در (۱۳۰۲ش)، پرده‌نشینان سخن‌گوی تألیف ماگه‌ی رحمانی افغانی در (۱۳۲۹-۱۳۳۰ش)، و بهار افغانی نوشته‌ی ابوالقاسم عبدالحکیم رستاقی. در تاجیکستان نیز تذکره‌هایی به فارسی نوشته شده‌است. از جمله تذکار اشعار تألیف شریف‌جان مخدوم صدر ضیاء در (۱۲۸۴-۱۲۸۶ش) و نمونه‌ی ادبیات تاجیک تألیف صدرالدین عینی در (۱۳۰۴ش). (در مورد این تذکره‌ها، ر.ک: دانشنامه‌ی جهان اسلام، ذیل تذکره؛ گلچین معانی، ۱۳۵۰؛ فتوحی، ۱۳۸۷؛ سجادی، ۱۳۷۷؛ سلطانی، ۱۳۸۰).

غرض ما از طرح این بحث، نشان‌دادن سیر تطور سنت تذکره‌نویسی به عنوان نوشتارهایی بود که در حد فاصل نسل اول و سوم قرار می‌گیرند. نگارش تاریخ ادبی پس از گذر از دل تجربه‌های دوگانه‌ی فوق، سرانجام در قرن اخیر صورت نهایی خود را در هیأت نسل سومی‌ها بازیافت.

۲.۳. نسل سوم: تاریخ ادبیات‌ها

ظاهراً محمد حسن فروغی، معروف به ذکاءالملک، نخستین محقق ایرانی است که کتابی تحت عنوان تاریخ ادبیات، تحریر کرده‌است. او نوشته‌اش را برای تدریس در مدرسه‌ی علوم سیاسی تنظیم کرده بود و اولاد و احفادش آن را سال‌ها بعد (۱۳۲۵ش) منتشر کردند. علامه قزوینی، همکار براون در نوشتن تاریخ ادبی ایران، وفیات معاصرین را درباره‌ی شرح احوال بزرگان معاصر نوشت. عبدالعظیم قریب فواید‌الادب را در نظم و نثر فارسی، در شش مجلد به چاپ رساند. عباس اقبال آشتیانی هم در حدود سال (۱۲۹۷ش) مقالاتی با عنوان تاریخ ادبیات در «مجله‌ی دانشکده» منتشر کرد.

پس از این‌ها، نوبت به فروزانفر رسید که در سال‌های (۱۳۰۸ و ۱۳۰۹ش) کتابی دو جلدی درباره‌ی تاریخ ادبیات ایران نوشت. این کتاب را به اعتبار نظرگاه دقیق انتقادی نویسنده، باید یکی از نقطه‌های عطف در نسل سومی‌ها به شمار آورد. اشراف استادانه‌ی فروزانفر بر منابع کهن و برخوردارگی از حافظه‌ی شگفت‌آور، او را در تبیین نظراتش یاری کرده‌است. در اعتبار وجه انتقادی کتاب همین بس که بسیاری از نقد و نظرهای آن تا به امروز هم‌چنان حجیت و مقبولیت خود را حفظ کرده‌است.

در عین حال، کاستی‌هایی در کتاب دیده می‌شود. مثلاً بررسی عوامل برون‌متنی اصلاً مد نظر نویسنده نبوده‌است، وجه جریان‌شناسانه در آن مطلقاً رعایت نشده و اساس

کار بر بررسی های تک‌نگارانه استوار است. از این جهت، ساختاری شبیه تذکره‌ها دارد. سرانجام این‌که نویسنده فقط به شاعران پرداخته‌است.

جلال‌الدین همایی نیز *تاریخ ادبیات ایران* را به رشته‌ی تحریر درآورد که گویا این اثر اصلاً مبتنی بر تقریرات او در مدرسه‌ی دارالفنون از حدود (۱۳۱۰ش) بوده‌است. این اثر دو جلدی می‌خواهد ادبیات فارسی را از قدیمی‌ترین ازمینه تا عصر حاضر بررسی کند. وجه تمایزش از سایر کتاب‌ها این است که بحثی نسبتاً طولانی درباره‌ی نظریه‌ی شعر و ادبیات دارد؛ گفتاری مبتنی بر ذهنیت کلاسیک. مباحث تاریخی کتاب بسیار مفصل است، چندان که وجه تاریخی بر حیثیت ادبی آن کاملاً غلبه یافته‌است. دوره‌بندی، بر اساس جابه‌جایی حکومت‌هاست و نویسنده در نظر دارد هم وضعیت نظم را بررسی کند و هم نثر را؛ هر چند در عمل تمرکزش بر روی نظم بسیار بیشتر است. ساختار، متد و نتیجه‌گیری‌های کتاب آکادمیک نیست.

سعید نفیسی نیز در همین سال‌ها *تاریخ نظم و نثر فارسی* را تألیف کرد. دوره‌بندی این کتاب بر اساس توالی قرن‌هاست. این‌گونه که مثلاً شاعران و نویسندگان قرن چهارم در یک فصل بررسی شده‌اند و به همین ترتیب، در سده‌های بعدی. نویسنده به‌طور پراکنده و گذرا، به شرایط اجتماعی به عنوان عوامل برون‌متنی اثرگذار بر جریان‌های ادبی نیز توجه می‌کند. توضیحاتش درباره‌ی شاعران و نویسندگان بسیار خلاصه و جنبه‌ی انتقادی در آن کم‌مایه است. او به شاعران و نویسندگان کم‌تر مشهور هم پرداخته است.

فشرده‌گی و مجال تنگ این اثر، که می‌خواهد ادبیات دوره‌ی باستان و ده قرن از دوره‌ی اسلامی را در یک جلد بررسی کند، مانع طرح مباحث دقیق شده‌است. بماند که به علت نداشتن مبنای نظری استوار در بررسی‌های اجتماعی و ادبی، کتاب بیشتر خصلت زندگی‌نامه‌ای دارد. نقطه‌ی آغاز بررسی، ادوار پیش از اسلام است، اما نویسنده از ادبیات عهد باستان بسیار شتاب‌زده عبور کرده و بیان کیفیت انتقال از دوره‌ی باستان به دوره نو نیز اصلاً دغدغه‌اش نبوده‌است.

این وضعیت ادامه یافت تا آن‌که ذبیح‌الله صفا وارد عرصه شد و مفصل‌ترین تاریخ ادبیات ایران را بین سال‌های (۱۳۳۲ تا ۱۳۶۷ش) به رشته‌ی تحریر درآورد. این کتاب توانست سایر رقیبان را کنار بزند و به عنوان کتاب مرجع تاریخ ادبیات ایران، در محافل دانشگاهی و غیر آن مطرح شود. توجه به عوامل برون‌متنی و درون‌متنی، در نظر گرفتن فردیت و نبوغ شاعران و عامل اجتماعی توأم، وسعت اطلاعات نویسنده،

آشنایی با منابع دست اول و برخورداری از ذوق ادبی قابل قبول، وارد شدن به مباحث مختلفی که در تاریخ ادبیات موضوعیت دارد و از نظر نویسندگان پیشین دور مانده بود، نگاه انتقادی نویسنده، در نظر گرفتن شاخه‌ی نثر و شعر در تاریخ ادبیات و برخی ویژگی‌های دیگر، سبب شد که اثر مرحوم صفا تا چند دهه بعد، همواره در مرکز توجه علاقه‌مندان به مباحث تاریخ ادبیاتی قرار داشته باشد. با انتشار این اثر که در طول نزدیک به سی سال ادامه داشت، همه‌ی تاریخ ادبیات‌های دیگر به حاشیه رفتند و اقبال عمومی جامعه‌ی دانشگاهی و سایر محققان به آن، روشن‌ترین دلیل برای اعتبار و مقبولیت این کتاب است.

اما هر اثری، هر چند بزرگ، خالی از اشکال نیست. مثلاً یکی این‌که گاه ریزش اطلاعات تاریخی نویسنده، خواننده را خسته می‌کند. ضمن این‌که «بدنه‌ی تاریخی» و «بدنه‌ی ادبی» کتاب به عنوان دو بخش مستقل از یکدیگر مطرح شده‌اند و جز در مواردی، شبکه‌های ارتباطی جامعه و ادبیات به درستی تبیین نشده‌است. هم‌چنین بررسی شعر و نثر در هیأت «جریان» اتفاق نیفتاده و آن خصیلت «تک‌نگارانه» که در مورد همه‌ی تاریخ ادبیات‌ها ذکر کردیم، این‌جا هم غلبه دارد. کاستی دیگر این‌که بررسی نویسنده از سده‌های نخستین اسلامی آغاز شده و از ادبیات ایران پیش از اسلام و ارتباط ادبیات دوره‌ی باستانی و اسلامی سخنی به میان نیامده است.

در کنار این آثار، برخی دیگر از نویسندگان به نوشتن تاریخ ادبیات‌های دوره‌ای یا موضوعی روی آوردند. مثلاً ملک‌الشعرای بهار تاریخ تطور شعر فارسی را نوشت، محمدعلی و ابوالحسن فروغی تاریخ شعرا را تألیف کردند و ذبیح الله صفا گنج سخن را در مورد شعر فارسی به رشته‌ی تحریر در آورد. علمی‌ترین اثر در این گروه متعلق است به احمد تفضلی که تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام را در یک مجلد به چاپ رساند. تاریخ ادبیات در دوره‌ی بازگشت، نوشته‌ی احمد خاتمی از دیگر آثار است که در این گروه قرار می‌گیرد.

پاره‌ای دیگر از آثار نیز بر مبنای تاریخ تطور هر یک از انواع ادبی تألیف شد که از آن جمله می‌توان به هجو در شعر فارسی اثر ناصر نیکوبخت، مرثیه‌سرایی در ادبیات فارسی نوشته‌ی نصرالله امامی، قطعه و قطعه‌سرایی در شعر فارسی نوشته‌ی حسن خالقی راد، رباعی و رباعی‌سرایان از آغاز تا قرن هشتم تألیف محمد کامگار پارسی، سیر غزل در شعر فارسی اثر سیروس شمیسا اشاره کرد.

برخی نویسندگان غیرایرانی هم بودند که با انتشار آثار خود، مقدمات نگارش

تاریخ ادبیات بر مبنای نظریات نوین را فراهم کردند. در واقع، سنت نگارش تاریخ ادبی در ایران هم‌چون دریاچه‌ای است که دو رود خروشان به آن سرازیر می‌شود. نخست، رود «شرقی-کلاسیک» که سابقه و مسیر آن را در صفحات پیشین ترسیم کردیم و دو دیگر، رود «غربی-مدرن» که شامل مجموعه آثاری است که به وسیله‌ی مستشرقان به نگارش درآمد.

از پاره‌ای تلاش‌های متفرقه و غیرمنسجم که بگذریم، شعرالعجم شبلی نعمانی نخستین اثر جامعی است که در این زمینه منتشر شد. اصل این کتاب به زبان اردو بود و هرچند او نویسنده‌ای هندی و بنابراین، شرقی است؛ اما رویکردش از آن نوعی است که در شاخه‌ی «غربی-مدرن» متداول است. مؤلف، در این کتاب، شیوه‌ی تازه‌ای را در پیش گرفت که بعداً نویسندگان تاریخ ادبیات ایران کم و بیش از او پیروی کردند. وی در آغاز هر دوره، به بررسی تاریخ سیاسی و اجتماعی و علل رشد و انحطاط ادب و سیر اجمالی علوم و ادبیات پرداخته و سپس از ادبیات به معنای اخص آن سخن رانده است. نگاه شبلی معطوف به چهره‌های شاخص است و اصالت را به شعر داده تا «نثر و شعر» توأم. نظرگاه انتقادی نیز بخشی از هویت کتاب را تشکیل می‌دهد؛ منتها نقدها مبنای نظری استواری ندارد و بیشتر ذوقی و تأثیری است. جریان‌شناسی در کتاب اصلاً لحاظ نشده‌است و نویسنده بررسی خود را از دوره‌ی اسلامی آغاز کرده و تا دوره‌ی تاریخی موسوم به سبک هندی ادامه داده است. جلد‌های چهارم و پنجم به گفتارهایی نظری در خصوص شعر و شاعری اختصاص یافته‌است، اما مبنای این مقولات کاملاً سنتی است.

پس از او هرمان اته، مستشرق آلمانی، تاریخ ادبیات ایران را به سال ۱۸۹۶م به رشته‌ی تحریر در آورد. این کتاب در سال (۱۳۳۷ش) به فارسی ترجمه شد. او به شرایط سیاسی - اجتماعی به عنوان عامل برون‌متنی مؤثر بر ادبیات، گوشه‌چشمی داشته؛ اما نه چندان که اوضاع و تحولات سیاسی - اجتماعی را اساس دوره‌بندی کتابش قرار دهد. ترتیب و عناوین فصل‌های کتابش نشان می‌دهند که معیار اصلی وی در دوره‌بندی، رواج تام یک نوع ادبی در یک دوره‌ی خاص است: آغاز شعر دری، حماسه‌ی تاریخی، شعر رمانتیک، شعر عرفانی و مواعیظ و سرانجام غزل‌سرایی، فصل‌های چندگانه‌ی کتاب را در بخش شعر تشکیل می‌دهند.

در این نوع نگاه، آنچه اصالت دارد، ادبیات است نه تاریخ یا سیاست یا سایر مؤلفه‌های فرهنگی. در نتیجه، این امکان برای خواننده میسر می‌شود تا از درون

جریان‌های ادبی به تاریخ ادبیات بنگرد. از دیگر امتیازهای کتاب یکی هم آن است که ادبیات را در شعر خلاصه نکرده‌است. ترتیب فصل‌های کتاب در بخش «نثر» به این قرار است: نثر روایی و شاعرانه (رمان، قصص، روایات، داستان‌ها، استعاره‌های منثور، سبک متصنّف، منشآت و ترجمه‌ها) و نثر علمی و بلیغ (کتب عرفانی، دینی، تفسیری، فقه، طب، نوشته‌های یهودی فارسی و تاریخ).

برای خواننده‌ی امروزی که نظریات ادبی نوین را در اختیار دارد، پاره‌ای کاستی‌ها در روش کتاب به چشم می‌خورد. مثلاً یکی آن‌که اتمه در بررسی ادبیات، فقط به گول‌های ادبی یا چهره‌هایی که نزدیک به آن‌ها هستند، توجه کرده‌است. بدین ترتیب، تعداد بسیار زیادی از شاعران و نویسندگان از قلم افتاده‌اند. دیگر این‌که نویسنده با اصالت‌دادن به یک نوع ادبی در هر دوره، از سایر جریان‌ها و انواع دیگری که در همان دوره‌ی خاص وجود داشته، اما وجه غالب (the dominant) را تشکیل نمی‌داده‌اند، غافل مانده‌است. مثلاً در همان دوره‌ی موسوم به «حماسه‌های تاریخی»، شعر «رمانتیک» هم داریم اما هیچ بحثی از آن در میان نیست. بر این اساس، این دوره‌بندی از منظر تاریخ ادبی، جامع و مانع به نظر نمی‌رسد.

در بخش «نثر» نیز نظریه یا دست کم معیارهای روشنی در خصوص طبقه‌بندی انواع نثر و تشخیص نثر ادبی از غیر ادبی در اختیار نویسنده نبوده‌است. در تقسیم‌بندی انواع نثر، بدون داشتن یک مبنای تئوریک روشن، گاه فرم و گاه محتوا معیار قرار گرفته‌است. کتاب به صورت فشرده و در یک جلد تا حدود سبک هندی پیش می‌رود. از چنین کتابی نمی‌توان انتظار داشت به‌طور دقیق و جزئی به بررسی همه‌ی جریان‌ها و پدیده‌های ادبی بپردازد و همه‌ی سازه‌های برون‌متنی و درون‌متنی مؤثر را نیز تبیین کند. در واقع، ظرف کتاب کوچک‌تر از مظلوف مورد نظر نویسنده‌است.

ادوارد براون، مستشرق دیگری است که نوشتن *تاریخ ادبی ایران* را به دست گرفت. رویکرد او به تاریخ ادبی مبتنی بر دو اصل بود: بررسی دقیق شرایط تاریخی به عنوان سازه‌ی برون‌متنی و جست‌وجو در فرهنگ و تاریخ و ادب ایران پیش از اسلام. توجه به ادبیات عهد باستان که در کتب تذکره مغفول واقع شده‌بود، با این کتاب در مرکز توجه بسیاری از علاقه‌مندان به تاریخ ادبی قرار گرفت و این را باید از نکات مثبت کتاب به شمار آورد.

اشکال عمده‌ی کتاب در غلبه‌ی بُعد تاریخی بر جنبه‌ی ادبی آن است. باب اول کتاب ۱۸۷ صفحه را شامل می‌شود. از این مقدار، نزدیک به ۱۶۰ صفحه را مطالب

تاریخی صرف تشکیل می‌دهد و حدود ۳۰ صفحه به مطالب ادبی محض اختصاص یافته‌است. همین نسبت، کم و بیش، در بقیه‌ی باب‌ها هم مشاهده می‌شود.

علاقه‌ی نویسنده به موضوعات تاریخی سبب شده وی برخی از عوامل برون‌متنی را معرفی کند، اما ارتباط آن‌ها با پدیدارهای ادبی در چهارچوب یک نظریه‌ی نظام‌دار تبیین نشده‌است. پاره‌ای تاریخی و پاره‌ی ادبی کتاب به منزله‌ی دو سازه‌ی ناهمگون هستند که میان آن‌ها ارتباطی نظام‌مند برقرار نیست.

کتاب وجه جریان‌شناسانه ندارد. مثلاً معلوم نیست که در عصر سامانیان یا غزنویان چند جریان ادبی وجود داشته، نسبت آن‌ها با یکدیگر چگونه بوده‌است و یک جریان ادبی از دوره‌ی سامانی تا غزنوی چه تغییراتی را از سر گذرانده‌است. این نکته نیز که لایه‌های شخصیتی شاعران و نویسندگان روشن نیست و آدم‌ها غالباً تک‌ساحتی معرفی شده‌اند، از دیگر کاستی‌های عمومی تمام تواریخ ادبی و از جمله نوشته‌ی براون است.

امتیاز روش به کار رفته در *تاریخ ادبیات ایران*، اثر یان‌ریپکا و همکارانش در این است که وجه ادبی، قربانی گفتارهای تاریخی نشده‌است. همین خصلت، کتاب را برای محقق رشته‌ی ادبیات فارسی خواندنی‌تر می‌کند. نگاه نویسندگان به جریان‌های ادبی مبتنی بر دستگاه جمال‌شناسیک سوسیالیسمی است و بر همین اساس، سعی بلیغ آن‌ها بر این بوده تا ارتباطات ظریف موجود میان «ساختار اجتماعی» و «ساختار ادبی» را پیدا کنند. در خلال فصل‌ها هم رگه‌هایی از جریان‌شناسی شعری به چشم می‌خورد؛ اما چنان نیست که ساختار منظم و سیستماتیکی داشته‌باشد.

فردیت شاعران و نویسندگان در رویکرد سوسیالیسمی کاملاً رنگ می‌بازد و این اشکال کوچکی نیست. در نظر نگرفتن اضلاع شخصیتی شاعران و نویسندگان و محصور کردن آن‌ها در یک نوع ادبی، از اشکالاتی است که این‌جا هم به چشم می‌آید. در مقابل، برخی مقایسه‌های نویسنده میان ادبیات ایران و جهان که کار را به حوزه‌ی ادبیات تطبیقی می‌کشاند، از نکات مثبت کتاب است.

تاریخ ادبیات فارسی یوگنی ادواردویچ برتلس نیز با همین مبنای سوسیالیسمی به تحلیل تاریخ و ادبیات می‌پردازد. با این تفاوت که برتلس بیشتر متوجه ادبیات ایران پیش از اسلام شده و سعی دارد نقش قوم تاجیک و کانون ادبی ماوراءالنهر را در تاریخ ادبیات ایران برجسته سازد. برجستگی دیگر کتاب این است که به‌طور جدی، به ادبیات عامیانه (folk literature) در میان مردمان تاجیک پرداخته‌است. یافته‌ها و تحلیل‌های نویسنده درباره‌ی ادبیات ایران پیش از اسلام نیز جالب توجه و در برخی موارد تازه

است. اشکالاتی که در مورد تاریخ ادبی رپیکا گفتیم، این جا هم کاملاً مصداق پیدا می‌کند.

کتاب *ادبیات کلاسیک فارسی* نوشته‌ی آرتور جان آربری ضعیف‌ترین کتابی است که در این زمینه به وسیله‌ی مستشرقان نوشته شده‌است. از آن جا که مخاطبان اصلی کتاب غیر فارسی‌زبانان بوده‌اند، نکته‌ی جالب توجه چندانی برای خواننده‌ی ایرانی در این اثر یافت نمی‌شود. دوره‌بندی کتاب مبتنی بر جابه‌جایی قدرت‌های سیاسی و ظهور چهره‌های سرشناس ادبی است. نویسنده درباره‌ی عوامل برون‌متنی سخن گفته؛ اما گذرا و بدون پشتوانه‌ی نظری. این هم که نظر نویسنده بیشتر معطوف به شعر بوده و نثر غالباً در حاشیه قرار گرفته، از دیگر اشکالات کتاب است. بیشتر این کاستی‌ها از آن جا ناشی می‌شود که نویسنده خواسته دوره‌ی تاریخی بسیار طولانی از عهد باستان تا قرن نهم را در یک مجال کوتاه یک‌جلدی بررسی نماید: «بحر در کوزه».

باری، این ماجرای نوشتن تاریخ ادبی هم‌چنان ادامه دارد. قصد ما این نیست که فهرستی از تمام آثار منتشرشده ارایه دهیم، بلکه بیشتر برآنیم تا تصویری کلی از آثار نسل سومی‌ها را پیش چشم خوانندگان محترم بیاوریم. جدول زیر بدین منظور تدوین شده‌است:

جدول ۳. مهم‌ترین تاریخ ادبیات‌های ایران

نام اثر	مؤلف	سال نشر	رویکرد غالب	توضیحات
۱ تاریخ ادبی ایران	عباس اقبال آشتیانی	۱۲۹۷ش	زندگی‌نامه‌ای- تاریخی	مقاله‌ای در «مجله‌ی دانشکده»
۲ سخن و سخنوران	فروزانفر	۱۳۰۸ و ۱۳۱۲ش	زندگی‌نامه‌ای- انتقادی	_____
۳ تاریخ ادبیات	فروزانفر	۱۳۰۸-۹ش	زندگی‌نامه‌ای- تاریخی	جزوه‌ی درسی دوره‌ی سامانی تا سلجوقی
۴ تاریخ ادبیات ایران	همایی	۱۳۰۸-۹ش	زندگی‌نامه‌ای- تاریخی	متأثر از شیوه جرجی زیدان
۵ شعرالعجم	شبلی نعمانی	۱۹۰۶م	تحلیلی- تاریخی	ترجمه در ایران از ۱۳۱۴ش
۶ تاریخ ادبی ایران	ادوارد براون	۱۹۲۶م	تحلیلی- تاریخی	ترجمه در ایران ۱۳۲۰ش
۷ تاریخ ادبیات ایران	رضازاده شفق	۱۳۲۰ش	زندگی‌نامه‌ای- تاریخی	تحریر دوم، برای دیپریستان‌ها

نام اثر	مؤلف	سال نشر	رویکرد غالب	توضیحات
۸ تاریخ ادبیات ایران	حسین فریور	حدود ۱۳۲۱	زندگی نامه‌ای - تاریخی	برای دبیرستان‌ها
۹ تاریخ ادبیات ایران	سلیم نیساری	۱۳۲۴ش	زندگی نامه‌ای - تاریخی	برای دبیرستان‌ها
۱۰ تاریخ ادبیات ایران	ذکاءالملک فروغی	۱۳۲۵ش	زندگی نامه‌ای - تاریخی	در ۱۲۹۶ش به صورت جزوه‌ی درسی
۱۱ تاریخ ادبیات در ایران	ذبیح‌الله صفا	۱۳۳۲ تا ۱۳۳۷ش	تحلیلی - تاریخی	مفصل‌ترین تاریخ ادبیات
۱۲ تاریخ ادبیات فارسی	هرمان اته	۱۸۹۶م	تحلیلی - تاریخی	ترجمه در سال ۱۳۳۷ش
۱۳ تاریخ نظم و نثر ...	سعید نفیسی	۱۳۲۴ش	زندگی نامه‌ای - تاریخی	قسمت‌هایی از آن از ۱۳۱۱ تا ۱۳۲۲ چاپ شد
۱۴ تاریخ تطور شعر فارسی	محمدتقی بهار	۱۳۳۴ش	تاریخی - جریان‌شناسی	صورت اولیه در سال ۱۳۲۰ نوشته شد
۱۵ تاریخ ادبیات ایران	محمدرضا دابی جواد	۱۳۳۵ش	زندگی نامه‌ای - تاریخی	برای دبیرستان‌ها
۱۶ تحول شعر فارسی	زین‌العابدین مؤتمن	۱۳۳۹ش	معرفی ژانرهای ادبی	_____
۱۷ تاریخ تطور نثر فارسی	حسین خطیبی	۱۳۴۴ش	معرفی ژانرهای ادبی	_____
۱۸ مکتب وقوع در شعر ...	احمد گلچین معانی	۱۳۴۷ش	زندگی نامه‌ای - تاریخی	متمرکز بر شاعران قرن دهم
۱۹ تاریخ ادبیات ایران در ...	عباس مه‌رین	۱۳۵۰ش	زندگی نامه‌ای - تاریخی	_____
۲۰ تاریخ ادبیات ایران	سیدسجاد حسین	۱۳۵۱ش	زندگی نامه‌ای - تاریخی	چاپ دکن
۲۱ پیشگامان شعر فارسی	محمد دبیرسیاقی	۱۳۵۱ش	زندگی نامه‌ای - تاریخی	_____
۲۲ سیری در شعر فارسی	ع. زرین‌کوب	۱۳۶۲ش	تحلیلی - انتقادی	اصالت به ادیبان به جای فرامتن
۲۳ تاریخ ادبیات ایران	بان ریپکا و دیگران	۱۹۵۶م	تحلیلی - انتقادی	گرایش سوسیالیستی
۲۴ تاریخ ادبیات فارسی	برتلس	۱۹۶۰م	تحلیلی - انتقادی	گرایش سوسیالیستی

نام اثر	مؤلف	سال نشر	رویکرد غالب	توضیحات
۲۵	ع. زرین کوب	۱۳۷۵ش	تحلیلی - انتقادی	جنبه‌ی ادبی بر تاریخی غلبه دارد
۲۶	احمد تفضلی	۱۳۷۷ش	دایره‌المعارفی - ادبی	جنبه‌ی اطلاع‌رسانی غلبه دارد
۲۷	جرج موریس و دیگران	۱۹۸۱م	مروری - انتقادی	ترجمه و چاپ در ایران ۱۳۸۰
۲۸	احمد خاتمی	۱۳۸۰	تحلیلی - انتقادی	_____
۲۹	محمد هادی محمدی	از ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۶	دایره‌المعارفی - ادبی	تاکنون ۸ جلد چاپ شده
۳۰	میرباقری فرد و دیگران	۱۳۸۱	تحلیلی - تاریخی	یک جلد چاپ شده

بحث درباره‌ی ارزش علمی تاریخ ادبیات‌های فعلی ایران مجال‌ی دیگر می‌طلبد. ما در این مقاله خواستیم نحوه‌ی شکل‌گیری سنت نگارش تاریخ ادبی را در ایران، با اشاره به پیشینه‌ی عربی آن نشان دهیم. نمودار زیر خلاصه‌ی بحث را ترسیم می‌کند:



نمودار ۱: تکامل سنت نگارش تاریخ ادبی

۳. نتیجه

برخلاف آنچه عموماً پنداشته می‌شود، تاریخ ادبیات‌ها فقط با تذکره‌ها ارتباط ندارند؛ بلکه شکل تکامل‌یافته‌ی سنتی هستند که بیش از هزار سال قدمت دارد. نقطه‌ی آغاز این سنت را باید در مجموعه‌ی گسترده و متنوعی از نوشتارها جست و جو کرد که ما از آن‌ها به نوشتارهای پیشاتذکره‌ای تعبیر می‌کنیم. «گلچین‌های ادبی»، «معجم‌ها»، «اخبار»، «انساب»، کتب «رجال» و «سرانجام» «طبقات» اعضای خانواده‌ی نسل اولی‌ها هستند که هر کدام برخی از خصصیت‌های تاریخ ادبیاتی را دارند. «طبقات» فرم نهایی

نوشتارهای پیشاتذکره‌ای است که آن را باید طلیعه‌ی تذکره‌ها دانست. از نوشتارهای تذکره‌ای فارسی نخستین، تنها نامی باقی است و نخستین کتاب تذکره‌ای فارسی موجود با الگوگیری از تذکره‌های عربی نوشته شده است. تاریخ ادبیات‌ها دنباله‌ی طبیعی و شکل تکامل‌یافته‌ی تذکره‌ها هستند و بر این اساس، می‌توان گفت یکی از سرچشمه‌های تاریخ ادبیات‌های فارسی تذکره‌های عربی و بلکه نوشتارهای پیشاتذکره‌ای هستند. در دوره‌ی جدید، سنت نگارش تاریخ ادبیات ایران از شاخه‌ی دیگری هم تأثیر پذیرفت و آن عبارت بود از آثاری که به وسیله‌ی مستشرقان نوشته شد. بدین ترتیب، نگارش سنت تاریخ ادبی ایران دو سرچشمه‌ی اصلی دارد: سنت شرقی - کلاسیک و سنت غربی - مدرن.

یادداشت‌ها

۱. این جدول و برخی نام‌های مربوط به نوشتارهای پیشاتذکره‌ای از پایگاه اینترنتی زیر مدخل «تذکره» استخراج شده است:
www.encyclopaediaislamica.com
۲. در تنظیم این جدول از منبع فوق بهره بردم.

منابع

- ابن معزز عباسی، ابی‌عباس عبدالله. (۲۰۰۲). *طبقات الشعراء*. تصحیح و تعلیق صلاح‌الدین الهواری، لبنان، بیروت: دار و کتبه الهلال.
- اته، هرمان. (۱۳۳۷). *تاریخ ادبیات فارسی*. ترجمه‌ی رضازاده شفق، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- الاصفهانی، عمادالدین. (۱۹۹۹). *خریده‌القصر و جریده‌العصر فی ذکر فضلاء اهل خراسان و هرات*. تصحیح و تعلیق عدنان محمد آل طعمه. تهران: دفتر نشر میراث مکتوب.
- الباخرزی، ابی‌الحسن علی بن الحسن علی. (۱۹۶۸). *دمیه‌القصر و عصره اهل العصر*. عبدالفتاح محمد الحلو، الجزء الاول، القاهرة: دار الفكر العربی

- براون، ادوارد. (۱۳۳۳). *تاریخ ادبی ایران*، از قدیمی‌ترین روزگاران تا زمان فردوسی. ترجمه‌ی صالح علی پاشا، جلد ۱، تهران: بی نا
- برتلس، یوگنی ادوارد ویچ. (۱۳۷۴). *تاریخ ادبیات فارسی*. ترجمه‌ی سیروس ایزدی، تهران: هیرمند.
- تفضلی، احمد. (۱۳۷۷). *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*. تهران: سخن.
- الثعالبی نيسابوری، ابی منصور عبدالملک بن محمد بن اسماعیل. (۱۳۵۳). *تمه‌الیتیمه*. تصحیح و تعلیق عباس اقبال، جلد ۱ و ۲، طهران: فردین.
- الثعالبی نيسابوری، ابی منصور عبدالملک بن محمد بن اسماعیل. (۱۹۷۴). *یتیمه‌الدهر فی محاسن اهل العصر*. تصحیح و تعلیق محمد محیی‌الدین بن عبدالحمید، جلد ۱ تا ۴، قاهره: مکتبه‌الحسین التجاریه.
- رضا زاده شفق، صادق. (۱۳۶۹). *تاریخ ادبیات ایران*. تهران: آهنگ.
- زرین‌کوب، عبدالحسین. (۱۳۶۲). *سیری در شعر فارسی*. تهران: نوین.
- سلطانی، منظر. (۱۳۸۰). بررسی سیر تذکره‌ها و تاریخ ادبیات‌های فارسی در ایران، از ۱۲۸۵ تا سال ۱۳۳۲. *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی*، دانشگاه تهران، ۵۴ (۱۵۷).
- سجادی، صادق. (۱۳۷۷). *نگاهی به تاریخ ادبیات نگاری و منابع آن در قلمرو سخن فارسی*. نامه فرهنگستان، ۴ (۱)، بهار.
- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۶۹). *تاریخ ادبیات در ایران*. جلد ۱، تهران: امیر کبیر.
- عوفی، محمد. (۱۳۳۵). *لباب‌الالباب*. تصحیح و تعلیق سعید نفیسی، تهران: ابن سینا.
- فتوحی، محمود. (۱۳۷۸). *نظریه تاریخ ادبیات: با بررسی انتقادی تاریخ ادبیات نگاری در ایران*. تهران: سخن.
- فروزانفر، بدیع‌الزمان. (۱۳۵۰). *سخن و سخنوران*. چاپ دوم، تهران: خوارزمی.
- گرشویچ، ایلیر و بویس، مری. (۱۳۷۷). *ادبیات دوران ایران باستان*. ترجمه‌ی یدالله منصوری، تهران: فروهر.

گلچین معانی، احمد. (۱۳۵۰). *تاریخ تذکره‌های فارسی*. جلد ۱ و ۲، تهران: دانشگاه تهران.

المرزبانی. (۱۹۷۶). *ابی عبدالله محمد بن عمران، اشعار النساء*. تصحیح و تعلیق سامی مکی العانی و هلال ناجی، بغداد: دارالرساله لطباع.

موریس، جرج و دیگران. (۱۳۸۰). *تاریخ ادبیات ایران از آغاز تا امروز*. ترجمه‌ی یعقوب آژند، گسترده، تهران: آژند.

نعمانی، شبلی. (۱۳۶۲). *شعرالعجم یا تاریخ شعرا و ادبیات ایران*. ترجمه‌ی سیدمحمدتقی فخرداعی گیلانی، تهران: دنیای کتاب.

نفیسی، سعید. (۱۳۴۴). *تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی*. تا پایان قرن دهم هجری، تهران: فروغی.

همایی، جلال. (بی تا). *تاریخ ادبیات ایران، مشتمل بر تاریخ ادبیات ایران از ازمه قدیم تاریخی تا حمله مغول*. ج ۱ و ۲، تهران: فروغی.

سایت اینترنتی